

The Study of Persian Null Subject Pronouns on the Basis of Minimalist Program

Moloud Shariatzadeh¹

This study aims to investigate the properties, special functions of pro and PRO, and also the syntactic conditions in which they are used in Persian; based on the minimalist program. The notion of pro as the covert subject appears in unmarked sentences, and overt nominal groups or overt subject pronouns used in emphasized sentences in Persian. The concept of PRO stands as a subject of nonfinite sentences. In this research we also consider the properties of nonfinite sentences consequently conclude that there is no PRO in Persian.

Key words ; *pro , PRO , impersonal constructions , control constructions .*

¹ -M.A. Student, Linguistics Department, Al- Zhra University
melodi_966_sh@yahoo.com

بررسی ضمائر بی آوای فاعلی در زبان فارسی در چارچوب برنامه کمینه‌گرا

مولود شریعت‌زاده^۱

چکیده

در این مقاله خصوصیات ضمیر انتزاعی *PRO* و ضمیر محذوف فاعلی *pro* در زبان فارسی و شرایط نحوی ساخت‌هایی که این ضمائر در آنها به کار می‌روند و همچنین نقش کاربردی خاص آن بررسی می‌شود. مفهوم *pro* به عنوان فاعل پنهان در زبان فارسی در جملات بی‌نشان به کار می‌رود و گروه اسمی یا ضمیر فاعلی آشکار در این زبان تنها در جملات تاکیدی ظاهر می‌شود. ضمیر انتزاعی فاعلی *PRO* نیز در ساخت‌های ناخودایستا در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد. در این مقاله همچنین ویژگی‌های ساخت‌های ناخودایستا مورد بررسی قرار می‌گیرد و بر اساس آن عدم وجود *PRO* در زبان فارسی بحث می‌شود. از آنجایی که چارچوب نظری این مقاله برنامه کمینه‌گرا است تلاش می‌شود تا در چارچوب این نظریه مقوله‌های ضمیر فاعلی محذوف *pro* و ضمیر انتزاعی *PRO* شرح داده شوند.

واژه‌های کلیدی: ضمیر محذوف فاعلی (*pro*)، ضمیر انتزاعی فاعلی (*PRO*)، ساخت‌های غیر شخصی، ساخت‌های کنترلی

۱- مقدمه

چامسکی (۱۹۸۶) معتقد است چنانچه عناصری در جایگاه مشخصی درک شوند در آنجا دارای نمود نحوی هستند؛ خواه مقوله آشکاری باشد که تحقق آوایی دارد و خواه یک مقوله بی‌آوا باشد. در برنامه کمینه‌گرا نیز مقوله‌های بی‌آوا مطرح هستند. ردفورد (۲۰۰۴ : ۱۰۶-۱۰۸) مقوله‌های بی‌آوا را مقوله‌هایی فرض می‌کند که نمود آوایی آشکار ندارند اما در نظریه دستوری نقش مهمی ایفا می‌کنند.

فضلی (۱۳۸۵ : ۳۶ ، به نقل از مانزینی و ساووا، ۱۹۹۷) طبقه‌بندی از زبان‌ها را بر اساس پارامتر ضمیراندازی به‌دست می‌دهد؛ بر این اساس زبان‌ها به سه گروه تقسیم می‌شوند:

- گروهی که در آنها فاعل هیچ‌گونه نمود آوایی ندارد مانند ایتالیایی
 - گروهی که ضمیراندازی در آنها اتفاق نمی‌افتد مانند انگلیسی
 - گروهی که بین این دو قرار می‌گیرند. در این زبان‌ها فاعل واژگانی می‌تواند حذف شود اما واژه‌بست فاعل اجباری هرگز حذف نمی‌شود مانند ایتالیایی شمالی
- آنچه مشخص است این است که حالت فاعلی در هر زبانی وجود دارد، در زبان‌هایی با نظام صرفی غنی، حالت فاعلی توسط تکواژ تصریفی مطابقه فاعلی جذب می‌شود و در نتیجه نیازی به فاعل آشکار نیست؛ اما در زبان‌هایی با نظام صرفی ضعیف که فاقد تکواژ تصریفی هستند، حالت فاعلی به فاعل آشکار اعطا می‌شود در نتیجه حضور فاعل واژگانی آشکار ضروری است. بر این اساس در زبان فارسی که از نظام صرفی نسبتاً قوی برخوردار است، برای اعطای حالت فاعلی نیاز به حضور فاعل آشکار نیست زیرا عنصر مطابقه فاعلی همواره در جمله وجود دارد و می‌تواند حالت فاعلی را دریافت کند؛ اما هنگامی که فاعل موکد باشد حضور آوایی آن اجباری است؛ در نتیجه بر اساس پارامتر ضمیراندازی، زبان فارسی از آن دسته زبان‌هایی است که علاوه بر فاعل واژگانی، فاعل اجباری به صورت واژه‌بست نیز داراست که همان شناسه به مفهوم سنتی است و قابل حذف از جمله نیست. آنچه تاکنون گفته شد مربوط به حضور فاعل در جملات خودایستا است که در آن فعل جمله دارای مشخصات (زمان، شخص و شمار) می‌باشد؛ اما ساخت‌های دیگری نیز وجود دارند که در آنها فعل فاقد مشخصات ذکر شده می‌باشد مانند بندهای مصدری در زبان انگلیسی که فعل مشخصه‌های شخص، شمار و زمان را ندارد و معمولاً این ساخت‌های ناخودایستا در جایگاه بند متممی جملات مرکب دیده می‌شوند. در دستورهای زایشی اخیر، فاعل این جملات

به صورت ضمیر بی‌آوا تحلیل می‌شود. ردفور (۲۰۰۴ : ۱۰۶-۱۱۱) به این موضوع اشاره می‌کند که بدلیل آنکه این فاعل بی‌آوا همانند ضمائر از ویژگی‌های ارجاعی برخوردار است بنابر این نوعی ضمیر تهی است. او علامت PRO را برای نشان دادن این فاعل به کار می‌برد؛ این ضمیر بی‌آوا معمولاً تحت نظارت فاعل یا مفعول جمله پایه است و گاه نیز می‌تواند دارای تعبیر دلخواهی باشد. بنابر این ضمیر انتزاعی فاعلی (PRO) در جایگاه فاعل جملات ناخودایستا در زبان انگلیسی قرار دارد؛ اما در وجود یا عدم وجود ساخت‌های ناخودایستای کامل در زبان فارسی میان زبانشناسان اتفاق نظر وجود ندارد و بنابر این وجود ضمیر انتزاعی فاعلی (PRO) نیز مورد تردید قرار گرفته است.

۲- پیشینه مطالعات

مطالعات انجام شده در زمینه ضمیر محذوف فاعلی (pro) و ضمیر انتزاعی فاعلی (PRO) در زبان فارسی حاکی از دیدگاه‌های متفاوت است به عنوان مثال دبیر مقدم (۱۳۶۷) معتقد است در برخی از زبان‌های دنیا مانند فارسی، اسپانیایی و کرواتا قاعده‌ای وجود دارد که ضمیر غیرمؤکد فاعلی را حذف می‌کند، این فرایند حذف ضمیر فاعلی نامیده می‌شود. در این اصل بیان می‌شود که اگر فاعل دستوری جمله‌ای به صورت ضمیر شخصی باشد در فعل مستتر است و معمولاً جداگانه بیان نمی‌شود، مگر آنکه تاکید خاصی بر آن ضمیر مورد نظر باشد. نعمت زاده (۱۳۷۳) با بررسی ساخت‌های کنترلی^۱ و ضمیر انتزاعی در زبان فارسی، ساخت‌های /تنزیمی^۲ را در این زبان به دلیل وجود مشخصه تطابق و عدم وجود مشخصه زمان، جزء بندهای نیمه خودایستا، طبقه‌بندی می‌کند و اذعان می‌دارد با آنکه میان ویژگی‌های ضمیر بی‌آوا در فارسی با آنچه در نظریه کنترلی بیان شده است اختلاف‌هایی وجود دارد نمی‌توان وجود ضمیر انتزاعی را در فارسی انکار کرد. از نظر او ساخت‌های مصدری در فارسی وجود دارد که در جایگاه مشخص‌گر گروه تصریف (IP) آنها ضمیر انتزاعی قرار می‌گیرد مانند جمله زیر

۱- من_i قصد_i [PRO_i نامه نوشتن] دارم. (درزی، ۱۳۸۵)

^۱- Control Constructions

^۲-Subjunctive Constructions

اما ایراداتی به تحلیل او وارد است، درزی (۱۳۸۵: ۱۱۵) بیان می‌کند در نظر گرفتن بند متمم به عنوان بند استثنایی، فاعل این بند یعنی PRO را تحت حاکمیت فعل جمله پایه قرار می‌دهد. این خود ناقض قضیه ضمیر انتزاعی PRO می‌باشد زیرا بر اساس آن ضمیر انتزاعی نباید تحت حاکمیت باشد.

قمشی (۲۰۰۱) فاعل بندهای متممی ساخت‌های کنترلی اجباری^۱ را PRO و فاعل بندهای متممی ساخت‌های کنترلی اختیاری^۲ را pro می‌داند و هر دوی این ساخت‌ها را نیز vp در نظر می‌گیرد. کریمی (۲۰۰۵) نیز ماهیت این ساخت‌ها را بررسی کرده و معتقد به عدم وجود PRO در جایگاه فاعل این ساخت‌ها است. حق‌بین (۱۳۸۶) پدیده ضمیراندازی در فارسی را مورد بررسی قرار داده است و اظهار می‌دارد ضمائر آشکار فاعلی در جملات فارسی حامل مشخصه‌های گفتمانی [+ مبتدا] و [+ تاکید] هستند.

۳- ضمیر محذوف فاعلی (pro) در زبان فارسی

حق‌بین (۱۳۸۶) بیان می‌کند با توجه به پارامتر ضمیراندازی، زبان‌ها به دو دسته ضمیرانداز^۳ (فاعل تهی) و غیرضمیرانداز^۴ (فاقد فاعل تهی) تقسیم می‌شوند. زبان فارسی از جمله زبان‌هایی است که آنها را ضمیرانداز می‌نامند. در این زبان‌ها، بر خلاف زبانی مانند انگلیسی، فاعل جملات خبری پایه نیز می‌تواند فاقد تظاهر آوایی باشد. اطلاعات مربوط به شخص و شمار مرجع این ضمائر فاعلی محذوف از طریق شناسه یا نشانه تطابق موجود در فعل، قابل شناسایی است. این ضمیر محذوف که به صورت pro آن را نشان می‌دهیم مانند ضمائر آشکار زبان فارسی دارای مشخصه‌های شخص و شمار است و در روابط نحوی مختلف با سایر عناصر جمله همچون رابطه تطابق با فعل شرکت می‌کند. با توجه به مثال‌های زیر تفاوت فارسی به عنوان زبان ضمیرانداز و انگلیسی به عنوان زبان غیرضمیرانداز بیشتر مشخص می‌شود:

۲- یه دختر دارم

*Have a girl

۳- به سینما رفتند

^۱- Obligatory control

^۲- Non-obligatory control

^۳- Pro-drop

^۴- Non-pro-drop

*Went to cinema

فاعل جملات (۲) و (۳) به ترتیب اول شخص مفرد و سوم شخص جمع می‌باشد. شواهد زیر را می‌توان برای اثبات وجود ضمیر محذوف فاعلی در زبان فارسی در جایگاه مشخص‌گر گروه تصریف ارائه داد.

الف) شم زبانی سخنگوی فارسی زبان وجود ضمیر محذوف فاعلی را می‌پذیرد به طوری که می‌توان آن را با فاعل آشکار جایگزین کرد و جمله‌ای دستوری به دست داد.
۴- (من) به دختر دارم

ب) چارچوب زیر مقوله‌ای و ساختار موضوعی افعال که به ساختار معنایی جملات مربوط می‌شود نیز شاهد خوبی برای اثبات وجود ضمیر محذوف فاعلی به شمار می‌رود. منظور از ساختار موضوعی، تعداد موضوعاتی است که هر فعل با توجه به شرایط نحوی و معنایی خود نیاز دارد؛ درزی (۱۳۸۵: ۱۸۹) اظهار می‌دارد برای تحقق اغلب رخدادها در جهان خارج نیاز به مشارکت‌کننده یا مشارکت‌کنندگان یا موضوع‌هایی است که رابطه میان آنها به وسیله فعل برقرار می‌شود. این موضوع در مدخل واژگانی افعال وجود دارد و برآورده نشدن ساختار موضوعی فعل‌ها در سطح نحو بر اساس اصل فرافکنی موجب بدساختی جملات می‌گردد، این وضعیت هنگامی رخ می‌دهد که به تعداد کافی موضوع برای دریافت نقش‌های معنایی متناسب با فعل وجود نداشته باشد. هگمن (۱۹۹۴: ۶۴) بیان می‌کند موضوع یک فعل می‌تواند به‌طور ضمنی وجود داشته باشد و تظاهر آوایی آشکار نداشته باشد. فعل جمله (۲) یعنی (داشتن) برای انتقال مفهوم خود نیاز به دو موضوع بیرونی و درونی دارد که تنها موضوع درونی آن (دختر) نمود آوایی یافته است و موضوع بیرونی دارای نمود آوایی نیست که همتای ضمیر من می‌باشد.

پ) دلیل دیگری که در اثبات وجود pro در زبان‌های ضمیرانداز ارائه شده مسئله مطابقت است. حق‌بین (۱۳۸۶) در خصوص مطابقت معتقد است که در فارسی افعال خودایستا از نظر شخص و شمار با فاعل خود مطابقت می‌کنند. بنابراین چون فعل (دارم) اول شخص مفرد است به فاعل اول شخص مفرد نیز در جایگاه فاعل نیاز دارد؛ بر اساس نظریه فاعل محذوف می‌توانیم بیان کنیم دارم دارای ضمیر تهی (pro) به عنوان فاعل است که pro در اینجا اول شخص مفرد می‌باشد.

ضمیر فاعلی (pro) علاوه بر جملات پایه، به‌عنوان فاعل جملات متمم نیز می‌تواند به کار رود. مثال‌های زیر این مسئله را مشخص می‌کند

۵- من فکر می‌کنم که شما/pro باید با او صحبت می‌کردید. (درزی، ۱۳۸۵)

۶- آنها می‌دانستند که ما/pro دیروز او را به فرودگاه رساندیم. (درزی، ۱۳۸۵)
همانطور که مشخص شد pro تحت حاکمیت دو عنصر زمان و مطابقه است که خود دو مقوله دستوری شخص و شمار را در خود دارد؛ کریمی (۲۰۰۵) معتقد است این دو عنصر با هم به صورت ترکیبی اعطاکننده حالت فاعلی هستند. بر این اساس pro نمی‌تواند در جایگاه فاعلی ساخت‌های غیرشخصی^۱ در زبان فارسی قرار گیرد. این بحث به همراه بررسی حضور pro در ساخت‌های کنترلی در بخش بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴- ضمیر انتزاعی فاعلی (PRO) در زبان فارسی

درزی (۱۳۸۵: ۷۸) ضمیر انتزاعی فاعلی (PRO) را ضمیری می‌داند که در ساخت نحوی جملات می‌تواند حضور داشته باشد و حاصل جابه‌جایی نیست و در زبانی مانند انگلیسی در جایگاه فاعل جملات ناخودایستا که معمولاً مصدر می‌باشند قرار می‌گیرد؛ در صورت‌های قدیم دستور زایشی، این‌گونه جملات را مشتق از ساخت‌هایی با گروه‌های اسمی هم‌مرجع می‌دانستند که قاعده حذف گروه اسمی یکسان^۲ بر آنها اعمال شده است. اما همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد در صورت‌های اخیر، فاعل این جملات به صورت ضمیر بی‌آوا تحلیل می‌شود (درفورد، ۲۰۰۴: ۱۰۸).

(7) We_i would like [PRO_i to stay]

در این جمله تعبیر ضمیر انتزاعی (PRO) تحت کنترل فاعل جمله پایه است و با آن هم‌نمایه می‌باشد. در انگلیسی این ساخت‌ها را ساخت‌های کنترلی می‌نامند. باید توجه داشت که در ساخت‌های کنترلی هر یک از عناصر کنترل‌کننده و کنترل شونده نقش معنایی خاص خود را دارند که از فعل‌های مربوط دریافت می‌کنند (درفورد، ۲۰۰۴: ۱۱۰). نظریه کنترلی در بردارنده ساخت‌های کنترلی فاعلی مثال (۷)، کنترلی مفعولی مثال (۸) و کنترلی اختیاری مثال (۹) می‌باشد.

(8) John persuaded Mary_i CP[IP[PRO_i to leave]]

(9) It is unclear what CP[IP[PRO to do]]

مهم‌ترین اصل نظریه کنترلی که تحت عنوان قضیه (PRO) مطرح شد این بود که:
ضمیر انتزاعی (PRO) نباید تحت حاکمیت قرار داشته باشد (اوهالا، ۱۹۹۹: ۲۴۷).

^۱- Impersonal Constructions

^۲- Equi-NP Deletion

از آنجایی که گروه‌های اسمی دارای آوا باید حالت داشته باشند و حالت نیز تحت حاکمیت داده می‌شود و از سوی دیگر ضمیر انتزاعی (PRO) نمی‌تواند در جایگاه دارای حاکمیت واقع شود، پس باید انتظار داشت که در هر جایگاهی که ضمیر انتزاعی قرار می‌گیرد گروه‌های اسمی آشکار قرار نگیرند (همان منبع). در برنامه کمینه‌گرا، فرض بر این است که جایگاه فاعل بند ناخودایستا دارای حالت تهی^۱ است یعنی در این مدل PRO دارای حالت است و حالت تهی دریافت می‌کند اما گروه‌های اسمی در جملات خودایستا تحت حاکمیت عناصر زمان و مطابقت حالت فاعلی دریافت می‌کنند. چامسکی (۱۹۸۶) نیز قائل به وجود حالت برای ضمیر انتزاعی است اما نه حالت ساختاری بلکه این حالت ذاتی است. ردفور (۲۰۰۴: ۱۱۲) برای اثبات وجود ضمیر انتزاعی PRO در جملات بالا دلایل زیر را ارائه می‌دهد:

- شم زبانی وجود فاعل بی‌آوا را مسلم می‌داند چون در برگردان جملات ناخودایستا به صورت خودایستا، ضمیر انتزاعی صورت آشکار به خود می‌گیرد.
- با توجه به ساختار موضوعی افعال، می‌توان مانند آنچه در مورد ضمیر محذوف فاعلی توضیح داده شد وجود PRO را ثابت کرد. مثلاً فعل (stay) در مثال (۷) یک ظرفیتی است و نیاز به یک موضوع خارجی در جایگاه فاعل دارد. حضور PRO این نیاز را برآورده می‌سازد.
- مرجع‌دارهای انعکاسی^۲ نیز به مرجع موضوعی نیاز دارند و باید در مقوله حاکم خود نیز مقید باشند بنابر این جمله زیر تنها با در نظر گرفتن PRO به عنوان مرجع موضوعی مرجع‌دار دستوری می‌باشد.

(10) John_i wants [PRO_i to prove himself]

- عبارات اسمی فعلی^۳ نیز باید با فاعل بندی که در آن قرار دارند مطابقت کنند؛ در غیر این صورت نادرستی محسوب می‌شوند.
- (11) They want [PRO to become millionaires/* a millionaire]
- بر طبق اصل فرافکنی گسترده نیز همه جملات باید فاعل داشته باشند؛ برای برآورده شدن این اصل در جملات ناخودایستا باید وجود PRO را به عنوان فاعل بی‌آوا بپذیریم.

¹ - Null Case

² - Reflexive Anaphors

³ - Predicate Nominal

۴-۱- ساخت‌های غیرشخصی

این ساخت‌ها از جمله ساخت‌هایی هستند که گفته می‌شود PRO در جایگاه فاعلی آنها قرار دارد. باطنی (۱۳۸۴: ۱۳۱) معتقد است این ساخت از دستگاه‌های شخص و شمار انتخاب نمی‌کنند و بندهایی که این گروه‌ها در جایگاه اسناد آنها قرار دارند همیشه بدون مسندالیه می‌باشند. فضلی (۱۳۸۵: ۸۷) به نقل از طالقانی (نامشخص)) ویژگی‌های زیر را برای این ساخت‌ها برمی‌شمارد:

- فاعل این ساخت‌ها دارای ارجاع مشخص نیست.
- در این ساخت‌ها اغلب ضمائر به صورت آشکار وجود ندارند و وند تصریفی ارجاع دلخواهی دارد.
- وند تصریفی فعلی در ساخت‌های غیر شخصی، سوم شخص مفرد و یا جمع است. کریمی (۲۰۰۵) اجزاء اصلی این ساخت‌ها را (باید) قیدی و فعل شبه‌کمکی (می‌شود) می‌داند. فعل اصلی در این ساخت‌ها شامل ریشه گذشته بدون هیچ عنصر تصریفی آشکار است که البته نشان‌دهنده سوم شخص مفرد گذشته می‌باشد. بر اساس تعمیم برزویو چون این ساخت‌ها توانایی اعطای حالت مفعولی را دارند بنابر این باید موضوع خارجی داشته باشند اما ماهیت این فاعل مشخص نیست. جملات زیر را در نظر بگیرید:

۱۲- باید حقیقت رو گفت

۱۳- میشه با این کار مخالفت کرد

در این جملات فاعل نمود آوایی آشکار ندارد اما در ذهن، پردازش شده و دارای ارجاع دلخواهی است که با توجه به مختصه انتزاعی مطابقه فاعلی (سوم شخص مفرد یا جمع) درک می‌شود؛ می‌توان گفت ساخت‌های غیرشخصی خوانش عام دارند که معادل ضمیر اختیاری آشکار one در انگلیسی می‌باشد. فاعل تهی در این ساخت‌ها لازم نیست توسط گروه اسمی ارجاعی تحت کنترل قرارگیرد؛ همچنین جایگاه فاعل در این ساخت‌ها نمی‌تواند با گروه اسمی آشکار جایگزین شود. به این دلیل که خوانش اختیاری با ماهیت و ویژگی‌های معنایی گروه اسمی آشکار ناسازگار است

۱۴- *علی باید حقیقت رو گفت.

۱۵- *او میشه با این کار مخالفت کرد.

البته این فاعل، pro نیز نمی‌تواند باشد زیرا از یک سو pro در بندهای زمان‌دار دارای عنصر مطابقه ظاهر می‌شود و از سوی دیگر با خوانش اختیاری ناسازگار است؛ بر

اساس نظر کریمی (۲۰۰۵) تفاوت اصلی بین pro و فاعل اختیاری در این است که فاعل اختیاری به لحاظ شخص و شمار نامشخص است؛ یعنی با وجود این که فعل دارای مشخصه شخص و شمار (معمولاً سوم شخص مفرد) در فارسی است اما این مشخصه‌ها ثابت هستند و تغییری نمی‌کنند به عبارت دیگر فاعل اختیاری مشخصه‌های Φ ندارد و به این لحاظ با pro متفاوت است. بر این اساس آیا می‌توانیم بگوییم فاعل این ساخت‌ها ضمیر انتزاعی PRO است؟ جمله زیر را در نظر بگیرید

۱۶- کیمیا گفت (که) e باید این کار رو کرد.

کریمی (۲۰۰۵) به نقل از ریزی، (۱۹۹۴) بیان می‌کند که متمم‌نمای آشکار نشان‌دهنده بند خودایستا می‌باشند و متمم‌نمای آشکار که در فارسی، معادل that در انگلیسی، مخصوص بندهای (+اخباری) و همچنین نشانگر خودایستایی می‌باشد. در مثال (۱۶) نیز بند غیر شخصی با متمم‌نمای آشکار که آمده است و بنابر این باید زمان‌دار باشد. یک توجیه می‌تواند این باشد که این عبارات تلویحا دارای زمان هستند؛ به هر حال چون PRO نمی‌تواند در جایگاه فاعل بندهای دارای زمان و مطابقه و به طور کلی جایگاه‌های تحت حاکمیت و در نتیجه دارای حالت قرار بگیرد پس نمی‌توان آن را به‌عنوان فاعل ساخت‌های غیر شخصی به‌حساب آورد؛ چون از یک طرف این بندها دارای عنصر تصریفی ثابت (سوم شخص مفرد) و از سوی دیگر دارای زمان تلویحی می‌باشند. حتی اگر حالت تهی را نیز برای آن در نظر بگیریم این حالت یک حالت ذاتی است و به طور ساختاری اعطا نمی‌شود. بنابراین فاعل این بندها عنصری فرای گروه اسمی آشکار، pro و PRO می‌باشد که البته بحث در مورد آن در قالب این مقاله نمی‌گنجد.

۴-۲- ساخت‌های کنترلی

جایگاه دیگری که انتظار می‌رود ضمیر انتزاعی PRO در زبان فارسی در آنجا قرار گیرد جایگاه فاعلی بندهای متممی ساخت‌های کنترلی اجباری است. درزی (۱۳۸۵: ۱۹۲) اشاره می‌کند در این ساخت‌ها فاعل جمله متمم ضرورتا فاقد جوهر آوایی است؛ این فاعل پنهان بند متممی مرجعیت خود را از فاعل بند پایه می‌گیرد. این ساخت‌ها نه اجازه فاعل آشکار می‌دهد و نه اجازه فاعل پنهانی که هم‌مرجع با جمله پایه نباشد. این جملات دارای ساخت التزامی هستند و هسته آنها نیز متمم‌نمای که می‌باشد و از نظر شخص و شمار نیز با فاعل

بند پایه مطابقت می‌کنند (درزی، ۲۰۰۸)؛ به عقیده قمشی (۲۰۰۱) نیز این بندها فقط زمان ندارند. جملات زیر نمونه‌ای از ساخت‌های کنترلی اجباری هستند:

۱۷- مریم می‌تونه که e پره

۱۸- حسن جرئت نمی‌کنه که e چیزی بگه

۱۹- علی یادش رفت که e بیاد

۲۰- * می‌تونم که e بیاد

۲۱- * مریم یادش رفت که اشکان پره

قمشی (۲۰۰۱) محل این فاعل پنهان هم‌مرجع با فاعل بند پایه را که با فاعل آشکار جایگزین نمی‌شود، PRO می‌داند و قاعده زیر را ارائه می‌دهد:

[SUBJECT_{CP} [VERB_{VP} [PRO [subjunctive VERB]]]]

از دیدگاه او بند متممی در ساخت‌های کنترلی vp هستند به این دلیل که زمان مستقل ندارند.

۲۲- * بیژن دیروز می‌تونست (که) [e فردا پره]

پس بند پیرو زمان مستقل ندارد بنابراین گره زمان (TP) در آن نیست و PRO در آن تحت حاکمیت گره زمان قرار ندارد و به این دلیل که در گروه فعلی نیز نمی‌تواند حالت فاعلی دریافت کند پس می‌تواند در جایگاه فاعل قرار گیرد.

[Control verb_{vp} [PRO ...]]

کریمی (۲۰۰۵) و درزی (۲۰۰۸) مثال‌های نقضی را بیان کرده‌اند و بند متممی را یک CP کامل در نظر می‌گیرند. به نظر آنان همه ساخت‌های کنترلی دارای زمان مساوی با بند پایه نیستند.

۲۳- کیمیا دیروز تصمیم گرفت [که فردا پره]

همچنین بندهای متممی کنترل اجباری به همراه متمم‌نمای که اختیاری می‌آیند و بیان‌کننده این است که تمامی این ساخت‌ها بندهای کاملی هستند که شامل CP می‌باشند. کریمی (۲۰۰۵) ساختارهای کلی زیر را برای بندهای کنترلی اجباری و غیراجباری پیشنهاد می‌کند که همه آنها دارای گره زمان هستند و این زمان توسط متمم‌نما تعیین می‌شود.

[CP C TP T Control Verb [CP C T_[+tense] VP]]

[CP C TP T Control Verb [CP C T_[Anaphoric] VP]]

یعنی زمان در بعضی از ساخت‌های کنترلی، ارجاعی^۱ و در برخی دیگر غیرارجاعی^۲ است. از سوی دیگر چون گروه اسمی آشکار در جایگاه فاعل افعال التزامی قرار می‌گیرد مشخص می‌کند که این وجه فعلی هر دو مشخصه دادن حالت فاعلی یعنی [+زمان] و [+مطابقه] را در خود دارد که بر جایگاه فاعلی حاکمیت دارد و به آن حالت فاعلی می‌دهند

۲۴- من تصمیم گرفتم [که علی بیاد]

بنابر این بر اساس تحلیل درزی (۱۳۸۵: ۲۰۰) اگر در جمله (۲۴) فاعل آشکار جمله متمم تحت حاکمیت نباشد در نتیجه این گروه اسمی بدون حالت باقی می‌ماند، موجب نقض صافی حالت می‌شود، در حالی که این جمله کاملاً خوش‌ساخت است. به این ترتیب وجود ضمیر انتزاعی PRO در ساخت‌های کنترلی زبان فارسی موجب نقض قضیه ضمیر انتزاعی می‌گردد. دلیل دیگر که این قضیه را بیشتر آشکار می‌کند حضور کمیت‌نما^۳ در جایگاه فاعلی بند متممی ساخت کنترلی اجباری است. به مثال ۲۵ توجه کنید:

۲۵- ما می‌تونیم [که همه به سینما بریم]

وجود کمیت‌نما نشان می‌دهد که این جایگاه دارای حالت فاعلی می‌باشد، در غیر این صورت کمیت‌نما حالت دریافت نمی‌کرد و جمله نادرستی می‌شد این مساله این ادعا را تقویت می‌کند که فاعل ساخت‌های کنترلی اجباری، PRO نیست.

در ارتباط با عدم وجود pro در ساخت‌های کنترلی اجباری همان مسائلی که در رابطه با ساخت‌های غیر شخصی در بخش پیش ذکر شد اینجا نیز صادق می‌باشد، یعنی اینکه pro نمی‌تواند در برخی ساخت‌های ارجاعی و در برخی دیگر اختیاری باشد.

۲۶- من فکر می‌کنم [که e بره]

۲۷- من می‌تونم [که e برم]

اگر فاعل تهی، pro باشد در جمله (۲۶) دارای خوانش اختیاری و در جمله (۲۷) دارای ارجاع به فاعل جمله پایه می‌باشد که این مسئله با ماهیت pro سازگار نیست. درزی (۱۳۸۵: ۱۹۶) از این امر به عنوان ضرورت هم‌نمایی فاعل جمله پایه و پیرو در ساخت‌های کنترلی اجباری نام برده است که این عدم هم‌نمایی از شناسه فعلی جمله متمم قابل تشخیص است.

^۱- Anaphoric

^۲- Non-anaphoric

^۳- Quantifier

۵- نتیجه‌گیری

بر اساس تفاسیر ذکر شده در بخش‌های پیشین می‌توان به این نتیجه رسید که ضمیر محذوف فاعلی (PRO) در زبان فارسی در ساخت‌های خودایستا و تحت حاکمیت عناصر زمان و مطابقه (شخص و شمار) قرار دارد، و حالت فاعلی دریافت می‌کند؛ درضمن این ضمیر با خوانش اختیاری ناسازگار است و در ساخت‌های خودایستا با این ویژگی قرار نمی‌گیرد. ازسوی دیگر ضمیر انتزاعی فاعلی (PRO) که نباید تحت حاکمیت قرار گیرد و در چارچوب برنامه کمینه‌گرا دارای حالت تهی می‌باشد و در جایگاه فاعلی بندهای ناخودایستا در زبان انگلیسی (مصدری) قرار دارد، در زبان فارسی به دلیل نبود ساخت ناخودایستای کامل که فاقد هر دو عنصر دهنده حالت فاعلی یعنی زمان و مطابقه است، وجود ندارد.

منابع

- باطنی، م. (۱۳۸۴) *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر
- دبیرمقدم، م. (۱۳۸۳) *زبان‌شناسی نظری*، تهران: سمت
- درزی، ع. (۱۳۸۵) *شیوه استدلال نحوی*، تهران: سمت
- فضلی، م. (۱۳۸۵) *بررسی مقوله‌های بی‌آوا در زبان فارسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا
- Darzi, A. (2008). "Remarks and Replies, On the vp Analysis of Persian Finite Control Constructions", *Linguistic Inquiry*, Volume, 39:103-116
- Ghomeshi, J.(2001) "Control and thematic agreement", *Canadian Journal of Linguistics* ,46:9-40
- Hageman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding Theory*, Oxford: Blackwell Publishers.
- Haghbin, F. (1386). "Persian Language and Null Subject Parameter", The unpublished under evaluating paper.
- Karimi, S. (2005) *Raising and Control in Persian*, Tucson: University of Arizona.
- Kertz, L.(2006) *Control in Persian*, San Diego: University of California.

-
-
- Ouhalla, J. (1999) *Introducing Transformational Grammar*, Edward Arnold.
 - Radford, A. (2004) *Minimalism Syntax*, Cambridge: Cambridge University press.

سید کمال